

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر - اسن - المان
اول جون ۲۰۱۱

بقا ملا دیو

فرق **خشتکار** و ، **خشتکار** و ، **خشتکار** گو
یا از **پلبدین** و ، **گلبدین** بی مقدار گو
یا که از **ملا رؤوف** **بی حیا** چشم پار
با **ملا دیوبند** و ، رهبر **اشرار** گو
از زنان **بد قلیغ** ، یعنی که **(سیمین لچر)**
با همان **(فضل غنی)** رندک و چوتار گو
صیغه و عقد و طلاق چادر و ریش و پکول
چون **چلی** و **طالبه** ، روز دو ، سه و چار گو
موی غرقه در زکاب و ریش اخته در خضاب
ای چلی دیوبندی! موج استخبار گو

نطفه انگلیسها ، در بطنِ **رقاص الیهود**
 چون (**مُبین**) بیحیا و ، (**صبغت**) اژدار گُو
 استخاره کرده کرده ، عاقبت شد ناشکن
 وارثش **فضل غنی** ، بعداً **مبین الهار گُو**
 این همه دلال و دکاندار و بقالان دین
 چون خرِ دجّال ، اندر کوچه و بازار گُو
 ای کنیز و طالبه ، رقاصه و ای (**چرچرک**)
 ناسپاسی تا به کی ، شرم و حیا انگار گُو
غندل و قانغوزک و از خارپشت و سنگبچه
از شغال و گرگ و هم از ببر و از کفتار گُو
 یاز (**حمدالله سیدی**) و ، ز (**طاهای خپک**)
 (**ارشد ارشاد**) و از (**سادات**) و از (**ستار**) گُو
 یاز (**ملا عبدالرحمان**) چتاق و از (**خطاب**)
 ماش و هم سابون لکس لشمک کفدار گُو
 حال آیم بر سرِ موضوع ، که تیرم سوی کیست
 سینه پرکینه ، بَغض و عداوتدار گُو
 (**پسخرابان**) ، اتحادی کرده حزبی ساختند
 (**گلبدین**) و ، (**عابدی**) بچه اشرار گُو
 فرق (**زنگ و جامن**) و (**زنگوله های کاروان**)
 فرق ساز لوگری ، با **رقص حکمتیار** گُو
 رسم و تعظیم و سلامی و رکوع و سجده ها
 با خم و چم رفتن و افعال رقتبار گُو
 فرق توپِ ظهر و توپِ (**عابدی**) و (**گلبدین**)
 راکت و هاوان و از ، خمپاره و رگبار گُو
 یا که از (**سیاف**) و (**ربانی**) و (**گیلانی**) دزد
 از (**خلیلی**) و (**محقق**) ، موتر جگوار گُو
 (**لاندى**) و (**ماهیچه**) و (**کلپوره**) و (**اشکمبه**) را
 پخته در دیگ سیاست ، عاقبت مردار گُو

از (**خطابِ لَم بروت**) و (**عبدالرحمانِ کچل**)
 با همان (**عباسی**) کورِ چلمبردار کُو
 از (**بواسیر**) و (**قلنج**) و (**نقرض**) و (**باد**) و (**خلج**)
 قصهٔ سرمنگسک ، ناکرده ، لنگ وردار کُو
 سرکسِ شیطانپرستان ، پُر شد از چوتار و رند
 (**طالبه سمین**) تک و ، (**چلی خلج**) تگمار کُو
 می نزاید مادرِ شیطان چو ایشان ، در جهان
 (**بدقلغ**) ، (**بدطینت**) و (**بدجنس**) و بدکردار کُو
 آنکه معروفِ جهان با ریشِ بزگونش نشد
 پس پکول و لنگی هندی و هم چلتار کُو
 مادرِ بدکارِ پاکستان ، از شیخ العرب
 (**حملِ ناجائز**) گرفته ، مفت اشکم دار کُو
 طالبِ سوسمار خور ، صیغه ئی ، گورزای
 (**نطفة القاعده**) در بطنِ بدکردار کُو
 موش و مار و گژدم و قانغوزک و چلیاسه خور
 بر گدایش ، (**دال**) و (**دله**) پختنِ یکبار کُو
 جهل (**شادولا**) و (**لؤلؤخان**) و (**عباسی کور**)
 از سوادِ (**آپه پیچو**) ، عالمی بیزار کُو
 پرسشی از ده نمودم ، پاسُخش آمد درخت
 لهجه بر معنای واژه گفتن ، از هشیار کُو
 نیمچه ملاها تجارت ، از دیانت میکنند
 (**اویرو**) و (**کلدار**) و (**پوند**) و (**دالر**) و (**دینار**) کُو
 باند مافیای دینی هم ، سیاستگر شده
 عف عف و عرعر کجا ، سگباز و هم خرکار کُو
 از بد اخلاقانِ (**خلق**) و (**پرچم**) و (**اشراریان**)
 هم ز (**شورای نظار**) و (**طالب**) خونخوار کُو
 از (**رفیق**) و (**نارفیق**) و از (**جوان**) و (**ناجوان**)
 (**عبدالرحمان**) و (**خطاب**) و هم ز (**مسکینیار**) کُو

حمله کردن ، بر (هنرمندانِ معروفِ وطن)
 گر (کلیدِ خانه) پیش یار و یا ، اغیار کُو
 بی تمسخر، جیبِ (پاکستان) و (ایران) را بدر
 بعد ازان می پرس ، سوزن با کلوله تار کُو
 دودِ کابل جان بر آمد ، در گرفت از شش جهت
 طعنه بر خوشخوانیِ خواننده و اشعار کُو
 آنکه میگوید ، وطن ! می سازمت ، میسازدش
 می نگو، خشت و سمنت و سنگ و یا گلکار کُو
 زانکه میسازد ، به نقدِ شعر و ، آوازِ رسا
 درک کو ، احساس کو ، و ، گوشِ باز یار کُو
 با سمنتِ نغمه و ، با خشتِ اشعارِ روان
 با پلان و طرحِ یاری ، اینچنین شهکار کُو
 سنگِ وحدت را به تهادبِ محبت ، راست نه
 تا نپرسندت فلانی ! نقشه کو ، معمار کُو
 قال و قیل و کم زدن های رفیق و دوستان
 بهر شهرت پاره کردن ، پرده اسرار کُو
 بودند جنگی و مرغ جنگی و سگ جنگی و قوچ
 ای مداری ! جنگِ موش خرما و جنگِ مار کُو
 بس که ملا جنگی و ، برنامه جنگی سود کرد
 تلویزیونچی و کش کش کردنِ چنگار کُو
 پاسِ یاری خیلی دُشوار است ، باید احتیاط
 تا بدانی فرقِ لُنگ و چادر و پیزار کُو
ناگه در تلویزیون (عبدالرحمان کچل)
(عابدی) و (هاشمیان) ، جلوه در انظار کُو
در دفاع از (طالبان) و (گلبدینی) های هار
پاس دادن ، شوت کردن ، گولِ وحدت غار کُو
ضربه افشاگریها ، از طریقِ تلفون
(عابدی) را سرخم و ، شرمنده از آن کار کُو

جنسبازی های (گلبدین) را با (عابدی)
آنکه افشاء کرد ، فوراً قطع از گفتار کُو
شاهدان بر ماجرا ، گرچه شهادت داده اند
بی حیا را شرم و غیرت کو و ننگ و عار کُو
یک طرف تعریف (گلبدین) و از سوی دگر
بوسه بر چشم چپِ مُلای کور هار کُو
لعنتِ حق ، بر تمام طالب و ، طالب پرست
گل کجا ، بلبل کجا ، و ، باغ کُو ، گلزار کُو
خانه ها ماتمسرا شد ، از جفای (گلبدین)
خنده کُو ، لبخند کُو ، و ، دل کُو ، و ، دلدان کُو
خشم و قهر و جنگ میبارد همی از شش جهت
سرپناه کو، خیمه کُو ، سقف و در و دیوار کُو
دردِ دل خیلی زیاد و ، نامه تنگ و ، رنگ کم
خامه در جولان اما ، صحنه پیکار کُو
شکوه از گلهای سر نه ، از سبد های سخن
واژه در پیکار « نعمت » ، مرجع گفتار کُو